تماشاخانه

## آموزه‌های تئاتر

ناصح کامکاری
نویسنده و کارگردان تئاتر

● اغلب اندیشمندان در تاریخ فلسفه و هنر قایل به ارزش تعلیمی تئاتر نه‌تنها برای عوام بلکه برای دولتمردان هر عصر و دوره بوده‌اند. اما تئاتر نوین بیش از آنکه با کلام اندیشه‌ای را بیان کند و بیاموزاند، با عمل نمایشـی و تصاویری که از ترکیب رفتار و عمل بازیگر و تعامل او با عناصر و اشـیای صحنه حاصل می‌شـود مفاهیم را بـه ناخودآگاه مخاطب منتقـل می‌کند. ترکیب‌کـردن کلام نویسـنده و عمل بازیگر و تصویر صحنه همان «میزانسـن» است که توسط کارگردان خلق شده و دارای «پیام» است. درواقع کارگردان بالاترین مقام مسـوول در گزینش همه عناصر بر صحنه و ازجمله انتخاب صحیح نقش‌آفرینان و دیگر عوامل اجرایی اسـت. معیار ذکاوت کارگردان در انتخاب همکاران است و هوشمندی او در چیدمان نوآورانه عناصر جلوه خواهد یافت. در انتخاب بازیگر نه‌تنها تسلط فنی او در ایجاد ارتباط کلامی و توان تعامل رودررو و نزدیک با مخاطب اهمیت دارد، بلکه به‌عنوان مهم‌ترین قاصد پیام کارگردان به تماشاگر، هرچه بازیگر درمیان مردم از حسن‌شـهرت بیشـتری برخوردار باشـد و معروف به سلامت جان و روان، پرهیز و پاکدستی و شـرافت و نزهت و دیگر صفات بارز اخلاقی و سـجایای انسانی باشـد «پیام» کارگردان سرراست‌تر بر دل مخاطب می‌نشـیند و همدلی و همیاری متقابل برمی‌انگیزد. چون در عرصه فرهنگ و هنر، صحبت از انتقال اندیشـه و تبلور احسـاس است نه فرمان و بخشـنامه و دستور. البته هیچ عمل انسـانی مبرا از خطا نیسـت و دستیابی به کمال در هرچیز نسبی اسـت، اما کارگردان با درایت، نه‌تنها از بدو امر و مرحله گزینش بازیگران و عوامل، با دست‌اندرکاران و صاحبنظران بی‌غرض مشورت می‌کند، بلکه هرشب پس از اجرای نمایش نظر و دیدگاه تماشاگران زبده را جویا می‌شود و هـر ضعف و خطای احتمالی را بلافاصله اصلاح می‌کند. مخاطب امروز نیز که رکن رکین تئاتر است زیرک است و به فراست درمی‌یابد که اگر «کلام» روی صحنه چیزی بگوید و «تصویر» و «چیدمان نقش‌آفرینان» چیز متفاوتی نشان دهد یا میزانسـن اشتباه اسـت و «پیام» متناقض می‌فرستد یا کارگردان در لفافه معنای مستتری را با میزانسن استعاری منظور دارد. پس حوصله می‌کنـد و حداقل تا پایان پرده نخست نمایش منتظر می‌ماند تا ببیند قالب جدید اجرایی نمایش چیست و نیت و مقصود نهایی کارگردان کدام است؟ چون مخاطب اهل فرهنگ نجیب و صبور است و شتابزده و ناشیانه ارزیابی نمی‌کند، وگرنه همیشه امکان برخاستن و ترک سالن میسر است!

ادامه از صفحه اول

## بازسازی آشیانه هنر

این تجربه درخشـان در بندبند زندگی هنرمندان بزرگ اطرافمان قابل مشـاهده اسـت و همان‌طور که در نوشـته پیشـین برای وزیر محترم فرهنگ و ارشاد نوشتم وجود این میزان هنرمند بزرگ در ایران اعتباری همچون نعمتی خدادادی و اسـتراتژیک است و نیاز به یک بررسی مطالعاتی وسیع دارد.

با اسـتفاده از تجربیات و روابط خود در سـازمان اکو، مرزهای فرهنگی ایران را گسترش دهید و از ظرفیت‌های تماشـاچی و موضوعی این کشورهای وسیع و هم‌زبان به یاری همین هنرمندان استفاده کنید. متاسفانه سال‌هاست که نقش فرهنگی ایران در این کشـورها کمرنگ شـده و توریسـم معکـوس و تفریحی تنها ارتبـاط محکم ما با کشـورهای هم‌زبـان و هم‌تاریخ اسـت. اکنون به مدد برگزارکنندگان ارمنی و همکاری با اروپا «زردآلوی طلایی» از اهمیت بالایی برخوردار شده است، همین‌طور جشنواره باتومی گرجستان، دیدار در تاجیکستان، که در سال‌های اخیر بیش از جشـنواره‌های بین‌المللـی ایرانی اعتبار و محبوبیت یافته‌انـد. همین‌طور رقیبـی جدی همچون جشنواره ابوظبی که یکی از پایگاه‌های مهم سرمایه‌گذاری فرهنگی، هنری و سینمایی بخش زیادی از دنیا شده است. همکاری با مدیران باتجربه آمریکایی و مشـارکت فراوان هنرمنـدان بزرگ ایرانی و عراقـی و خاورمیانه‌ای موجب شده این جشنواره اکنون فاصله‌ای زیاد با هر جشنواره نوپا و دیرپای منطقه داشته باشد. کم کردن فاصله بین یکی از کشورهای مهم سینمای دنیا با رقبای تازه متولد شده خود از مهم‌ترین کاستی‌هایی است که از مدیر با فرهنگ و هنرمنددوستی همچون شما انتظار می‌رود.

روزی که سـنگینی سـرمایه‌گذاری مشـترک از کشـورهای نام برده به سمت ایران و حتی با همکاری دولت‌های منطقـه‌ای و غربی صـورت بگیرد همگان خواهیم دیـد که جا برای «همه‌کس و همه سـلیقه» خواهد بود و یک انتقاد ساده یا منافع زودگذر، طوفانی به‌پا نمی‌کند. تنها راه خاتمه مسایل حاشیه‌ای که به متن اصلی آمده و تولید و توزیع و نمایش را تحت‌تاثیر قرار داده است، یک گردهمایی بزرگ است. تا یک‌بار تمامی مخالفان را زیر یک سقف در برابر افکار نخبگان قرار دهید تا برآمد آن جلسـه فصل‌الخطاب تمامی بزرگان و تصمیم‌گیران طرف‌های درگیر قرار گیرد و هتک حرمت‌ها، کنایه‌های نازیبا و پرده‌دری‌هـای دور از ادب خاتمه یابد تا کارهای بـزرگ تولید و توزیع و نمایش سـینمای ایران بر چرخه عقلانیت بگردد و همگی از پس دوران طوفانی گذشته به نوسازی و نونویسی و بازسازی آشیانه‌های محترم هنری خـود بپردازیـم و آیندگان را بیـش از این منتظر دیدن صحنه‌های باشکوه فرهنگی و اجتماعی در کارنامه تاریخی خود نگذاریم.

ساختمان بهارستان

## تابلوهای وزیر

بهرام دبیری
نقاش

نام آقای «جنتی» را اول‌بار در این سـال‌ها، در چند هفته گذشته به‌عنوان وزیر شنیده‌ام. طبیعتا هیچ قضاوتی در مورد ایشان نمی‌توانم بکنم. اما یک نکته را به اشاره می‌توان مطرح کرد. تجربه چندین سال گذشته نشان داده که برخی مسوولان وزارت فرهنگ در سال‌های گذشته در پی نوعی نگاه تحکمی به اهالی فرهنگ و هنر بوده‌اند که این نمی‌تواند نکته جالبی باشد و به‌نظر می‌رسد باید در مورد آن تجدیدنظر شود. مورد دوم اینکه در دوره ریاست‌جمهوری آقای «خاتمی» معاونت‌های مختلف در وزارت ارشـاد توانسـتند فضا را قـدری باز کنند، هرچند آن اقدامات کافی نبود اما به‌هرحال نباید اقدامات مثبت را نادیده بگیریم. از طرفی، آقای جنتی در مجلس برای دفاع از برنامه‌هایشان و اعلام آشنایی با هنر ایران از آقایان احصایی، فرشچیان و شجریان نام بردند. به‌نظرم این نشانه خوبی نیست. امیدوار بودم وزیری فرهنگی در ایران سر کار بیاید که نسبت به جریان‌های عمیق‌تر و مدرن‌تر ایران هم حساسیت داشته باشد. آیا ممکن است روزی وزیر ارشادی داشته باشیم که از افرادی همچون بهمن محصص یا پرویز تناولی یا از نقاشان دیگر هم نامی ببرد؟ آیا می‌تواند از آوازخوان‌های دیگری نام ببرد؟ من می‌گویم جریانی که در هنر امروز ایران مطرح اسـت جریانی فعال، نو و جست‌وجوگر است. اشاره صرف به کلاسیک‌های ما، مانند این اسـت که کسی وزیر فرهنگ باشد و بگوید به‌نظرم حافظ شاعر خوبی است ولی حاضر نباشد از «فروغ» نام ببرد. این مساله یک مقدار نگران‌کننده است اما باید دید در عمل چه می‌کنند. در دوران درخشان هنر فرانسه «آندره مالرو» که یک روشنفکر و هنرشناس به تمام معنا بود و هنرهای جهان را (از هند تا جاهای دیگر) می‌شناخت به کارگاه «پیکاسو» و «شاگال» رفته و در حین قهوه‌خوردن در مورد نقاشی صحبت می‌کرد. آیا لازم اسـت یا نه که یـک وزیر، هنرمندان مهم کشـور را به نام بشناسد؟ می‌خواهم بدانم در میان تابلوهای منزل وزیر فرهنگ به‌جز خط ممکن اسـت تابلوی دیگری باشد؟ آیا موسیقی جهان را می‌شناسد یا موسیقی جاز گوش می‌کند؟ آیا به سینمای عباس کیارستمی، بهرام بیضایی و ناصر تقوایی علاقه دارد؟ نادیده گرفتن جریان اصلی یکی از مشکلات بزرگ وزارت فرهنگ ما در سال‌های گذشته بوده است. شاید ایشان از جریان هنر مدرن در ایران اطلاعی ندارند و شـاید نگاه و انتخاب ایشـان اینطور است. به همین دلیل هـر نوع گفت‌وگو و قضاوتی در این زمینه خطاسـت؛ چون شـناختی از ایشـان ندارم و باید در عمل دیده شود که چه نگاهی به هنر ایران دارند.

### دومین نمایشگاه سازهای ابداعی استاد آواز برگزار می‌شود

# صدای شجریان طنین‌انداز می‌شود؟

شجریان با یکی از سنتورهای ساخت خودش. عکس: عباس کوثری، شرق

**فرزانـه ابراهیم‌زاده:** «محمدرضا شـجریان» بار دیگر کرشـمه، خانواده شهرآشـوب، سبو و تندر و بقیه سـازهای دست‌ساز و خامـوش خود را به خانه هنرمندان می‌آورد. اما مخاطبانشـان تشنه صدای او به‌همراه اجرای این سازها هستند که شش‌سال است، حتی در پایتخت هم به گوش نرسیده است. این دومین نمایشگاه سازهای ابداعی محمدرضا شجریان است که خود استاد می‌گوید ادامه نمایشگاه قبلی است. اما آیا این نمایشگاه می‌تواند طلسم صدا و کنسرت‌های شجریان را در ایران بشکند. آخرین کنسرت شجریان تابستان و پاییز سال ۸۶ در تالار بزرگ کشور و اصفهان بود. در شش‌سال گذشته بیشتر برنامه‌ها و کنسرت‌های شجریان در خارج از کشور بوده است. آخرین کنسرتش نیز بهار سال‌جاری به‌همراه سهراب و تهمورس پورناظری در آمریکا بود که با استقبال خوبی از سوی مخاطبان روبه‌رو شد. انتشار آلبوم «مرغ خوشخوان» و آلبوم تصویری کنسرت استرالیا بعد از چند سال انتظار در تهران نیز از معدود کارهای شجریان بود. هرچند محمدرضا شجریان در چند سال گذشته در برخی از برنامه‌ها قطعه‌ای را اجرا کرد. آخرین اجرایش نیز در تشییع‌جنازه جلیل شـهناز- اسـتادش- بود که قطعه‌ای را آوازخوانی کرد. در این شش‌سـال بارها خبر احتمال اجرای کنسرت در تهران منتشر شد؛ اما وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هر بار با برگزاری کنسرت مخالفت می‌کرد. هرچند هیچ‌گاه مسـوولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در این سال‌ها به صراحت از ممنوعیت کنسرت و انتشـار آلبوم‌های جدید نگفتند اما به‌صورت غیرمستقیم در صحبت‌های «سیدمحمد حسینی» وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت دهم و «حمید شاه‌آبادی» به تمایل‌نداشتن این وزارتخانه به دادن مجوز اشاره می‌شد. اما به نظر می‌رسد با روی کارآمدن دولـت تدبیر و امید «حسـن روحانی» ایـن رویه تغییر کند و هنرمندانی که در این سال‌ها با محدودیت‌هایی روبه‌رو بودند بار دیگر به صحنه بیایند. روحانی نخستین نامزد ریاست‌جمهوری دوره یازدهم بود که در مناظرات از شـجریان نام برد و در فیلم تبلیغاتی‌اش از صدای او استفاده کرد. «علی جنتی» وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در صحبت‌هایی که داشته بارها از تعامل با اهالی هنر گفته است. او روز دوشنبه به دیدار محمود فرشچیان رفت. با انتخاب «علی مرادخانی» به معاونت هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی احتمال رفع مشکل کنسرت و مجوز آلبوم برای شجریان می‌آید. هرچند در این سال‌ها شجریان در کنار برگزاری مسترکلاس‌های آواز کار ساخت‌وساز را دنبال کرد و حالا برای بار دوم این سازها را به نمایش می‌گذارد. در این نمایشگاه که از ۲۲ تا ۲۸ شهریور برگزار می‌شود؛ خانواده صراحی در چهار اندازه (شـاه صراحی، صراحی باس، صراحی آلتو، صراحی سوپرانو)، خانواده شهرآشوب در چهار اندازه (شه‌بانگ، شه‌نواز، شهرآشوب آلتو، شهرآشوب سوپرانو)، سبو، دل و دل در دو اندازه (دل و دل آلتو، دل و دل سوپرانو)، خانواده سازهای مضرابی (ساغر، باربد، کرشـمه) و سنتورهای با ساختار جدید و تندر از ساخته‌های شـجریان است و پیش از این در کنسرت‌هایی با حضور او در مقام خواننده روی صحنه رفته است. محمدرضا شجریان در گفت‌وگو با روابط عمومی شرکت فرهنگی – هنری «دل‌آواز» درباره برگزاری این نمایشگاه توضیح داده است: «این نمایشگاه ادامه همان نمایشـگاهی است که در سال ۱۳۹۰ برگزار شد، بـا این تفاوت که سـازها برای عرضه در دنیای موسـیقی و سفارش تولید به نمایش درمی‌آید.» شجریان درمورد سازهای ابداعی خود و اصلاحات آنها پس از گذشـت این مدت گفت: «این سازها در دو سال گذشته در کنسرت‌ها نواخته شد و در این مدت روی سـازها کار کردم تا کیفیت سازها و صدادهی سـازها بالا رود.» پیش از این او با ارکستر بین‌المللی سازهای نوین، در کانادا و آمریکا و گروه شهناز در ایران، ترکیه و دوبی کنسرت‌هایی اجرا کرده بود؛ درباره واردشدن سازهای ابداعی به دنیای موسـیقی ایرانی توضیح داد: «سـازهای ابداعی این قابلیت را دارد که در کنار سازهای سنتی قرار گیرد. من بیش از ۵۰ سـال است که با موسیقی، خواننده، نوازنده و آهنگساز در ارتباط هستم و از سوی دیگر سلیقه مخاطب را می‌شناسم؛ به همین دلیل معتقدم که موسیقی ایران به سازهای جدید و صداهای تازه نیاز دارد.» شـجریان در ادامه با اشاره به شناخت خود از مقوله سـاز، صـدا و صدادهی گفـت: «در طول عمر حرفه‌ای و هنری خود، دانش و تجربه کسـب کردم و به این نتیجه رسیده‌ام که در موسیقی ایران به سازهایی نیاز است که نوازنده یا آهنگساز با آن راحت باشد و صداهای تازه خلق کند.» او با اشـاره به اسـتقبال جوانان از سازهای ابداعی خود گفت: «موزیسـین‌های جوان از سازهای ابداعی استقبال می‌کنند و هنرمندان قدیمی، به‌دلیل نگاهشان، در استفاده از این سازها با احتیاط برخورد می‌کنند. سازهای ابداعی برای نسل‌های بعد هستند و آنها از این سازها که امکانات راحت‌تری در نوازندگی دارد، استفاده خواهند کرد.» او در پایان تاکید کرد: «این سازها به‌تنهایی امکانات زیـادی دارد، باید به صحنه رود و نوازنده‌ها بـا آن کار کنند تا به مرور زمان بـه آن عادت کنند.» دومین نمایشگاه سازهای ابداعی استاد محمدرضا شجریان به همت شرکت دل‌آواز، با همیاری خانه موسیقی از ۲۲ تا ۲۸ شهریور در خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود.

## زوریخ، میزبان ۷ هنرمند ایرانی

**سحر آزاد:** موزه ریتنبرگ در زوریخ که به معرفی روند تاریخی هنر شرق می‌پردازد، با دعوت از هفت هنرمند ایرانی در نمایشگاهی با عنوان «افسون ایران» قصد دارد هنر فعلی کشـورمان را به نمایش بگذارد و ارتباط هنر معاصر ایران را با پیشـینه‌اش بررسـی کند. نمایشگاه «افسـون ایران» با آثـاری از نازگل انصاری‌نیا، سـمیرا اسکندرفر، پرسـتو فروهر، فرهاد فزونی، ماندانا مقدم، حامد صحیحی و رزیتا شـرف‌جهان از چهارم‌شهریور، ۲۶سپتامبر در موزه ریتنبرگ زوریخ افتتاح می‌شود. این نمایشگاه که تا ۲۲دی ادامه دارد در دو بخش تاریخی و معاصر خواهد بود. در بخش تاریخی، آثار هنر ایران و شـرق طی یک روند تاریخی نمایش داده می‌شوند اما برای اینکه سـیر تاریخ هنر ایران کامل‌تر منتقل شود، مسوولان این موزه بخشی از آثار معاصر را در قالب ویدیو اینستالیشن، نقاشی، کار روی پارچه و... انتخاب کرده و نمایش می‌دهند. رزیتا شرف‌جهان، یکی از هنرمندان شرکت‌کننده درباره حضور هنرمندان ایرانی در سوییس به «شـرق» گفت: «این نمایشـگاه اولیـن حضور ما در سوییس نیست. پیش از این نیز آثار هنرمندان ایرانی در این کشور نمایش داده شده بود. حدود هفت یا هشت سال قبل یک مجله ویدیویی در سوییس منتشر می‌شد. اولین شـماره آن در مورد هنر بالکان و دومین شماره بـه هنر ایران پرداخته بود و روی تعدادی از هنرمندان معاصرمان متمرکز شده بودند که من هم جزیی از آنها بودم.» او سپس به نمایشـگاه دیگری از آثار ایرانیان در سوییس اشـاره کرد: «دو سال قبل هم نمایشگاهی در یکی از مراکز هنری در یکی از شـهرهای سوییس به نام آرائو برپا شد که سـوزان وینچ نمایشگاه‌گردان آن بود و جرقه‌های برگزاری نمایشگاه موزه ریتنبرگ همان زمان زده شد.» شـرف‌جهان، در ادامه در مورد جزییات نمایشـگاه «افسـون ایران» گفت: «موزه ریتنبرگ هنر قدیم شرق و ایران را به نمایش می‌گذارد منتها اکسل لنگر، نمایشگاه‌گردانی است که تمایل داشت علاوه بر ارایه آثار تاریخی هنر ایران درباره هنر معاصر شرق هم نمایشگاهی برپا کند و از این طریق، ارتباط هنر فعلی را با گذشته نشان دهد تا بیننده به این نتیجه برسد که آثار قدیمی ایران الان به کجا رسیده است.»

به گفته او لنگر برای برپایی این نمایشگاه با سوزان لینچ که پیش از این نمایشـگاهی از ایرانیان برپا کرده بـود، صحبت کرد که در نهایت آثار این هفت هنرمند انتخاب شـده است. البته این نمایشگاه به معنای یک نمایش گروهی نیست بلکه نمایش جایگاهی است که هرکدام برای چندین سال دنبال کرده‌اند و هریک جنبه و رنگی از هنر معاصر را نشان خواهند داد.

عکس روز

**شرق:** «ادوارد مونش» یا مونک را بیشتر به دلیل تابلوی بسیار معروف او با عنوان فریاد می‌شناسند. او نقاشی نروژی است که در ۱۲ سپتامبر ۱۸۶۳ به دنیا آمد و در ۲۳ ژانویه ۱۹۴۴ درگذشت. مونش از جمله نقاشان سبک اکسپرسیونیستی است. بسیاری از تابلوهای او به موضوع درد و بیماری پرداخته‌اند اما احتمالا معروف‌ترین اثر او را بتوان تابلوی «فریاد» دانست که در اوایل دهه ۱۸۹۰ خلق شده و تصویری از مردی در حال جیغ‌زدن را به نمایش گذاشته است. مونش حالا در آستانه صد و پنجاهمین سالگرد تولد این نقاش، «آرت دیلی» گزارش داده که کتابی برای معرفی بیشتر مونش منتشر شده است. این کتاب «دیدار با ادوارد مونش» نام دارد که شامل شش فصل با عنوان‌های «دانستن یا ندانستن»، «انگیزه»، «مونش و تکنیک»، «حیوانات و مردم در اطراف داوارد مونش»، «حاشیه‌ای از زندگی سری» و «چگونه ادوارد مونش معروف شد» است. هریک از فصل‌ها از سوی یک نویسنده و با همکاری موزه ملی هنر، معماری، طراحی و موزه مونش همچنین حمایت وزارت امور خارجه به پنج زبان انتشار یافته است تا موقعیت مناسبی برای آشنایی جوانان با هنر اکسپرسیونیسم و مونش به وجود بیاید.

چهره روز

### «۱۲ سال برده» در فستیوال فیلم تلوراید کلرادو

## سومین فیلم «مک‌کویین» اکران شد

نیما توسلی

● «اسـتیو مک‌کویین» در سومین تجربه کارگردانی فیلم، با بازخوردهای متفاوتی روبـه‌رو شـده اسـت. «۱۲ سـال برده»، که یـک درام تاریخی و بیوگرافی براساس داسـتانی واقعی از یک مرد سیاهپوسـت آزاد اهل شمال آمریکاست، ماجرای او را در نیمـه قرن ۱۹ میلادی به تصویر می‌کشـد، زمانی که به‌عنوان یک برده در جنوب آمریکا به فروش رفت. این فیلم، اولین نمایش عمومی خود را جمعه عصر در تئاتر گلکسی فستیوال تلوراید، تجربه کرد. علاوه بر این، این فیلم هفته آینده در جشـنواره فیلم تورنتو نمایش داده می‌شود و ۱۸ اکتبر نیز اکران عمومی خواهد شد. نمایش این فیلم، از یک‌سـو با تشـویق و تمجیدهای فراوانی همراه بود، به‌طوری که تماشـاچیان هوراکنان به تشـویق «استیو مک‌کویین» و سایر عوامل این فیلم پرداختند. «چیوتل اجیوفور» بازیگر بریتانیایی، «مایکل فاسبندر» همراه همیشگی مک‌کویین، «لوپیتا نیونگ» اهل کنیا که به‌تازگی به مک‌کویین پیوسته و «براد پیت» کـه بازیگر و در عین حـال از تولیدکنندگان این فیلم است، از اصلی‌ترین عوامل این فیلم محسوب می‌شوند. با این حال و از سوی دیگر، خیلی‌ها تجربه همکاری او بـا «براد پیت» و اتحاد دوباره او با «مایکل فاسـبندر» را ستوده‌اند، اما همکاری او با «چیوتل اجیوفور» را اشتباهی بزرگ خوانده‌اند. دو فیلم قبلی «مک‌کویین»، «گرسنگی» (۲۰۰۸) که در مورد یک اعتصاب‌کننده گرسنه بود، و «شـرم» (۲۰۱۱) که درمورد اعتیاد بود، مانند این فیلم سومش، همگی در فستیوال فیلم تلوراید کلرادو پخش شـده بود؛ اما این فیلم آخر به نظر می‌رسد با توجه به مایه‌های تلخ و آزاردهنده‌ای که در پس صحنه‌های خود دارد، بیشـتر در جامعه منتقدان طنین‌انداز شود تا در بازخوردهای عمومی. از طرف دیگر، پیش‌بینی می‌شود برخـلاف آن دو فیلم دیگـر که در اسـکار هیچ‌گونه موفقیتی نداشـتند، «۱۲ سـال برده» بتواند با توجه به پس‌زمینه‌های تاریخـی و بازی‌های خاص، حرف‌هایی برای گفتن در جشـنواره بزرگ اسـکار داشته باشد و به این ترتیب، پخش اولیه این فیلم نشـان می‌دهد که «چیوتل اجیوفور» احتمالا گزینه مناسبی برای بازی در این فیلم نبوده است.